

۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان*، ترجمه‌ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۴. *صحیفه‌ی سجادیه*.
۱۵. قائمی، علی، «آسیب‌ها و عوارض اجتماعی (ریشه‌یابی، پیش‌گیری، درمان)»، تهران، انتشارات امیری، چ دوم، ۱۳۶۶ش.
۱۶. کریمی، عبدالوهاب، «پیش‌گیری از جرم از منظر قرآن»، معرفت، ش ۱۴۸، فروردین ۱۳۷۴، ص ۷۵.
۱۷. «اصول تربیت اجتماعی کودکان دبستانی»، تربیت، سال دهم، فروردین ۱۳۷۴، ص ۲۴.
۱۸. مرعشی، سیدمحمدحسن، *دیدگاه‌های نور در حقوق کیفری/اسلام*، تهران، میزان، ۱۳۷۹ش.
۱۹. مشکانی، زهراسادات و سید منصور، رضوی، *کتاب جامعه‌ی بهداشت عمومی*، فصل ۱۲، گفتار ۴.
۲۰. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، چ هشتم، ۱۳۷۷ش.
۲۱. «تربیت اجتماعی از دیدگاه علوی ۷»، مقاله‌ی اینترنتی.
۲۲. میرخلیلی، محمود، «پیش‌گیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام»، *فقه و حقوق*، ش ۱، (تابستان ۱۳۸۰ش)، ص ۵۹-۸۱.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «پیش‌گیری از بزهکاری و پلیس محلی»، تحقیقات حقوقی، ش ۲۵-۲۶، (بهار و تابستان ۱۳۷۸ش)، ص ۱۲۹-۱۴۱.
۲۴. نوربهار، رضا، *زمینه‌ی حقوق جزای عمومی*، تهران، کانون نشر و کلای دادگستری، ۱۳۶۹ش.
۲۵. وزارت آموزش و پرورش، «آنها بزهکار متولد نشده‌اند»، مقالات فارسی، اینترنت.

جوانان، تهاجم فرهنگی، و راه‌های مقابله با آن

فهیمة سعیدیان^۱

چکیده

تهاجم فرهنگی، یکی از حربه‌های قدیمی دشمنان اسلام و انسان‌ها می‌باشد که امروزه و در کشور ما، جمهوری اسلامی ایران نمود چشم‌گیری یافته است. جهان‌خواران و زورمداران، برای تسلط یافتن بر منابع ثروت‌های کشورهای ضعیف، دست به هر اقدامی می‌زنند و از جمله تلاش‌های ویرانگر و خانمان‌سوز ایشان، کوشش برای از بین بردن فرهنگ و آداب جامعه‌ی مورد هجوم و جایگزین کردن فرهنگ خود به جای آن است.

در مقاله‌ی حاضر، ابتدا به توضیحاتی درباره‌ی فرهنگ، تهاجم فرهنگی، ویژگی‌ها و مراحل تهاجم فرهنگی، تهاجم فرهنگی از نگاه رهبر انقلاب، اهداف و ابزار دشمن، تبادل با تهاجم فرهنگی، تهاجم فرهنگی در جوانان و در پایان راه‌های براندازی، این حربه‌ی دشمن بیان می‌شود.

با توجه به آیات قرآن، احادیث و روایات، نتیجه گرفته می‌شود که مؤثرترین و بهترین راه برای مقابله با تهاجم فرهنگی، روی آوردن به قرآن و بهره‌گیری از دستورهای الهی و آموزه‌های معصومان : و به کار بستن آنها در زندگی فردی و اجتماعی است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، تهاجم، جوان، مقابله

۱. دانش‌پژوه دوره کارشناسی.

بیداری سیاسی که از اواخر قرن نوزدهم در ملت‌های جهان پدیدار شد، استعمارگران را بر آن داشت تا برای غارت هرچه بیشتر ملت‌های در بند، شیوه‌های جدید و پیچیده‌تری، متناسب با رشد آگاهی سیاسی ملت‌ها، برای غارت و استعمار بیابند. ورود از نظر اقتصادی و به صورت نظامی، واکنش مردم و مقاومت آنها را در پی داشت، به ویژه در ایران که مردم بیدار آن، با اعزام جوانان برومند خویش، به جبهه‌ها از کشور دفاع می‌کردند و با تسلیم نشدن در برابر تحریم‌های اقتصادی غرب و بحران‌های اقتصادی ناشی از آن، استعمارگران را ناامید ساختند. این تجربه، سردمداران استعمار را بر آن داشت تا این بار، از عامل اساسی حیات ملت‌ها، فرهنگ، سوء استفاده کنند.

فرهنگ و مسائل فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای در هر جامعه و مکتب دارد. اسلام نیز این امر را با حساسیت ویژه‌ای پی می‌گیرد. تهاجم فرهنگی مفهوم عمیق و پیچیده‌ای دارد و هدف نهایی آن، نابودی آیین و تمدن مورد نظر و وارد ساختن عناصر بیگانه و انحرافی در آن است. نخستین هدف آن از بین بردن یا تضعیف فرهنگ قومی می‌باشد.

تهاجم فرهنگی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در چند سال گذشته در کشور ما مطرح شده و آسیب‌های زیادی وارد کرده است. این تهاجم، پدیده‌ای منسجم و برنامه‌ریزی شده به شمار می‌رود که متأسفانه برخی آن را توهم می‌پندارند. شاید منشأ این تصور، ناآگاهی از جریان مرموز و تأثیرگذار تهاجم یا ساده‌انگاری باشد. تهاجم فرهنگی یا به تعبیر رهبر فرزانه‌ی انقلاب، شبیخون فرهنگی، می‌کوشد از مردم سلب هویت نماید.

تعریف فرهنگ

تعریف‌های زیادی از فرهنگ گفته شده است، از جمله: مجموعه دست‌آوردهای مادی و معنوی هر جامعه، در زمینه‌های دانش، هنر، اخلاقیات، قواعد، آداب و رسوم، عادات و... قابلیت‌های اکتسابی که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

از سوی دیگر، می‌توان گفت که فرهنگ، مایه‌های فکری و ارزشی است که رفتارهای اختیاری و اجتماعی انسان، تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرد و شامل شناخت‌ها و باورهای انسان، ارزش‌ها،

گرایش‌ها، رفتارها و کردارها می‌باشد. اصول درونی هر ملت و کشور، از هر نظر (اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی، و...) زمانی استقلال و استحکام خواهد داشت که از فرهنگ غنی، قوی و اصیل برخوردار باشد. بدین ترتیب، اگر فرهنگ ملتی دست‌خوش تغییر و تبدیل شود، ماهیت درونی آن ملت و کشور از هر نظر تغییر می‌یابد.

فرهنگ، سرمایه‌ی معنوی هر ملت به شمار می‌رود و مانند خونی که در بدن جاری است، در همه‌ی شئون زندگی انسان جریان دارد. فرهنگ آینه‌ی شفاف است که شخصیت علمی، عملی، عقلی و احساسی هر قوم در آن انعکاس می‌یابد و روح و جان هر تمدنی را تشکیل می‌دهد. در حقیقت، تمدن‌ها نمود و نشان ظاهری فرهنگ‌ها هستند. برای این که نقش مؤثر و جایگاه‌والای فرهنگ در موجودیت و استقلال جامعه روشن‌تر گردد، به نگاه دقیق حضرت امام خمینی؛ اشاره می‌کنیم: «بی‌شک، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار، دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد»^۲.

تعریف تهاجم فرهنگی

حرکتی مرموزانه، حساب‌شده، با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از شیوه‌ها، ابزار و امکانات متعدد و متنوع، برای سست کردن باورهای دینی، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف اندیشه‌ها، تغییر و تبدیل آداب و سنن اجتماعی، نابودی اصول اخلاقی حاکم بر جامعه، از بین بردن اصالت و فرهنگ و سنن ملی و در نهایت، جایگزین کردن فرهنگ بیگانه را می‌توان یکی از اهداف تهاجم فرهنگی دانست. تا بدین وسیله، ملت مورد نظر را به پوکی و پوچی بکشاند و چون آنها را از نظر شخصیتی تضعیف کرده و روحیه‌ی استقلال و قدرت مقاومت را از آنان گرفته‌است، اصول فکری خویش را القا و فرهنگ و باورهایش را بر آنها تحمیل می‌کند.

۲. امام خمینی؛ صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰، پیام امام خمینی؛ به مناسبت آغاز سال تحصیلی. ۱۳۶۰ ش.

به عبارت دیگر، در تهاجم فرهنگی، ملتی بخواهد فرهنگ رایج و غالب ملت دیگری را بگیرد و فرهنگ خود را به آنها تحمیل کند تا ملت مورد تهاجم، تحت سلطه درآید و بدین ترتیب، بر ملت مزبور تسلط یابد و ضربان اقتصادی، سیاسی و نظامی آن را در دست گیرند. برای نیل به هدف آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه، تغییر فکر و خط مشی ملت مورد تهاجم است؛ در این روش، القا می‌شود که فرهنگ شما، خوب نیست، شما متحجرید و انواع شعارهای به ظاهر زیبا مطرح می‌شود. بر اساس این، همیشه، پیش از هر تهاجمی، تهاجم‌های فرهنگی صورت می‌گیرد.

امروزه، با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، نفوذ و سلطه و به دست آوردن مستعمرات دیگر کشورها با لشکرکشی‌های نظامی، به آسانی، امکان‌پذیر نیست و هزینه‌های زیادی بر مهاجمان تحمیل می‌کند. به همین سبب، بیش از یک قرن پیش، استعمارگران روش نفوذ در کشورها را تغییر داده‌اند و با استفاده از سیاست‌های فرهنگی می‌کوشند به اهداف شوم خود دست یابند، زیرا فهمیده‌اند که بهترین راه نفوذ در کشورهای دیگر، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله‌ی درونی آن است. آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را متریقی جلوه دهند تا بتوانند آن را جایگزین معیارهای بومی و ملی ملت‌ها سازند که در فرهنگ ملت‌ها، به این کارها هجوم فرهنگی می‌گویند. آنان پی برده‌اند که در تقابل ادوات نظامی و فرهنگی، همیشه فرهنگ پیروز است و فهمیده‌اند که در رویارویی با فرهنگ و اعتقادات، نمی‌توان به زور متوسل شد. این نتیجه از نظر معارف قرآنی و احادیث و روان‌شناسی نیز کاملاً به اثبات رسیده است؛ قرآن مجید در فرازی از آیه‌الکرسی می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»^۳ یعنی اکراه و جبری در پذیرش دین، که مجموعه‌ای از اعتقادات است، راه ندارد. پس هیچ زمانی جبر و اکراه نمی‌تواند شخصی را دین دار و یا مسلمان کند.

در ناتوی فرهنگی، که در واقع تهدید نرم است، دشمن با به‌کارگیری ابزار فرهنگی، به دنبال سلطه‌ی فرهنگی و در نهایت، سلطه‌ی سیاسی می‌باشد. بسیاری از کارهایی که نظام سلطه و هم‌پیمانان خارجی و داخلی آن در دهه‌ی دوم و سوم بر ضد انقلاب اسلامی ایران انجام داده‌اند، تهدید نرم به شمار می‌رود.

البته زمانی فرهنگ ملتی مورد هجوم فرهنگ مهاجم قرار می‌گیرد که ارزش‌ها، سنت‌ها و اصول اولیه‌ی فرهنگ مهاجم، به اصول اولیه و دانش‌های ملی، سنتی و مذهبی آن ملت حمله کند و

۳. بقره: ۲۵۶.

آهسته آهسته ارزش‌ها و اصول فرهنگ مهاجم جایگزین آن شود. زمانی که غربی‌ها بتوانند در فرهنگ ما رخنه و احساسات ملت را جریحه‌دار نمایند، دیگر هیچ خونی برای دفاع از وطن جاری نخواهد شد و مادری در فراق فرزند به میدان رفته‌اش، اشک نخواهد ریخت، همچنین اسلحه‌ای بر دوش جوانان ما قرار نخواهد گرفت و دستی برای دعا کردن ملت مسلمان به سوی آسمان دراز نخواهد شد و قلبی برای وطن به تپش نخواهد افتاد و هرگز فریاد «الله اکبر» به گوش نخواهد رسید. پس باید در برخورد فرهنگ، با فرهنگ وارد شد.

مقام معظم رهبری >، درباره‌ی معنا و مفهوم حقیقی تهاجم فرهنگی می‌فرمایند: «تهاجم فرهنگی با برخی از گمانه‌زنی‌ها مثلاً پسری موهایش را تا این جا بلند بگذارد، فرق دارد. تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی‌بندوباری و فساد هم یکی از شاخه‌های تهاجم فرهنگی است، ولی تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر از اینهاست. در سال‌های متمادی، به مغز و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی کاری انجام بدهی و باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی. نمی‌گذارند خودتان را باور کنید؛ یعنی اعتقاد آنها به نظرات دانشمندان اروپایی، آن اندازه است که مؤمنین به قرآن اعتقاد دارند. جالب این جاست که این نظریات، کهنه و منسوخ می‌شود و ده‌ها کتاب علیه نظریات او نوشته می‌شود. مثل نظریات پوپر، اما در سال‌های اخیر، آدم‌هایی پیدا شدند که شروع به ترویج نظریات پوپر کردند. اینها دارای دوگانگی هستند. یکی این که مقلدند و دوم این که از تحولات جدید بی‌خبرند»^۴.

ویژگی‌های تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی در مقایسه با تهاجم نظامی یا اقتصادی، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که عبارت‌اند از:

- الف. آرام و بی‌سر و صداست؛
- ب. برای بیشتر مردم نامریی و نامحسوس است؛
- ج. از برنامه‌ها و ابزارهای گسترده‌ای استفاده می‌کند (از حرب‌های سیاسی، نظامی، روانی، تبلیغاتی و اقتصادی بهره می‌برد)؛

۴. سخنان رهبر انقلاب در دیدار با هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱.

د. گسترده، همه‌جانبه و فراگیر است، برخلاف تهاجم نظامی که تنها بخشی از مرزهای مجاور در تیررس دشمن قرار می‌گیرد؛
 ه. کارساز است و برخلاف تهاجم نظامی، حساسیت برانگیز نیست؛
 و. درازمدت و دیرپاست؛
 ز. ریشه‌ای و عمیق است و ذهن و قلب انسان‌ها را نشانه می‌گیرد و تسخیر می‌کند. به همین دلیل، پس از جنگ جهانی دوم، «آیزنهاور» رئیس‌جمهور وقت امریکا، اعلام کرد که بزرگ‌ترین جنگی که در پیش داریم، جنگی برای تسخیر اذهان انسان‌ها می‌باشد.

مراحل تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی در دو مرحله صورت می‌پذیرد:

الف. تخلیه‌ی فرهنگ فودی

در قانون طبیعت، وقتی خلأ ایجاد می‌شود نزدیک‌ترین نیروی موجود، خلأ را پر می‌کند. هر پدیده‌ی جدید در جایی حضور می‌یابد که پیش از این، خلأ وجود داشته‌است و یا در آن محیط، خلأ می‌آفریند؛ از این رو، تخلیه‌ی فرهنگی، نخستین شرط لازم برای حضور فرهنگ بیگانه و مهاجم به شمار می‌رود.^۵

شیوه‌ها و راهبردهای دشمن در ایجاد خلأ فرهنگی (ناتوی فرهنگی)

مهم‌ترین راهبردها را در ایران می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱. تخریب بنیان‌های فکری، اعتقادی، ارزشی و اخلاقی، با ایجاد تردید در آنها؛
۲. انزوای روحانیت و بی‌ارزش نمودن مبلغان و مدافعان اصیل دین؛
۳. قداست‌زدایی از دین و شعائر دینی؛

۴. ترویج فساد و ردالت‌زدایی از آن، مانند شیطان‌پرستی در دنیای معاصر. چنانچه خداوند متعال در قرآن مجید بیان فرموده‌است که شیطان به دنبال برهنگی انسان و منحرف ساختن او به سوی شهوات است؛ «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتَهُمَا إِنَّهُ يَرَآكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ...»^۶ ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبید

۵. همان.

۶. اعراف: ۲۷.

آن چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون ساخت و لباس آنان را از اندامشان بیرون کرد». در این آیه، خداوند متعال به همه‌ی انسان‌ها هشدار می‌دهد که مراقب فریبکاری شیطان باشند، زیرا سابقه‌ی دشمنی خود را با پدر و مادر آنها نشان داده‌است و همان‌گونه که لباس بهشتی را بر اثر وسوسه‌ها از اندام آنها بیرون آورد، ممکن است لباس تقوا را نیز از اندام ایشان بیرون بیاورد.^۷ چنانچه، امروزه، همه‌ی همت شیطان‌های بزرگ و کوچک بر ترویج برهنگی و از بین بردن پاکدامنی و تقواست. باید توجه داشت که این آیه در مقام بیان ولایت شیطان بر غیر مؤمنان می‌باشد. بیرون آوردن لباس آدم و حوا در بهشت، اشاره و تمثیلی است از بیرون آوردن لباس تقوا به دست شیطان از اندام همه‌ی آدمیان؛^۸

۵. فعال کردن گسل‌های بین‌نسلی، گسل‌های قومی و گسل‌های مذهبی (فرقه‌گرایی)؛

۶. ناکارآمد معرفی کردن نظام دینی؛

۷. راهبرد القای حاکمیت دوگانه (رئیس‌جمهور - ولی فقیه)؛

۸. حمایت از جریان‌های فرهنگی و سیاسی مخالف با نظام دینی و روشن‌فکران وابسته؛

۹. تحریک افکار عمومی بر ضد نظام اسلامی و مسئولان آن، با سیاه‌نمایی مسائل ایران و

استفاده از تصویرسازی دروغین، جعل خبر، پخش شایعه و...؛

۱۰. ترویج لیبرالیسم و فمینیسم.

ب. تثبیت فرهنگ بیگانه

شیوه‌ها و راهبردهای دشمن در تثبیت فرهنگ خویش عبارت‌اند از:

الف. به کار گماردن افراد وابسته؛

ب. ایجاد نهادهای مختلف بین‌المللی و ملی؛

ج. برپایی شبکه‌ها و مؤسسه‌های شبه‌فرهنگی؛

د. تجزیه‌ی فرهنگی با تحریک نژادها و گروه‌های متفاوت اجتماعی، مانند تحریک اقوام با

گویش محلی، تحریک اقلیت‌های مذهبی و...؛

ه. تحریف تاریخ، مانند سرچشمه‌ی تمدن را اروپا قلمداد کردن و صدسال تمدن و فرهنگ

اسلامی را سده‌ی یورش‌های خاوریان وحشی دانستن؛

۷. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه‌ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی.

۸. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه.

و. تغییر خط و زبان؛

ز. تضعیف روحیه‌ی عمومی: القای دسترس ناپذیر بودن آرزوها و امیدهای فرد یا جامعه و حتمی دانستن برآورده نشدن آنها؛
ح. القای ناامیدی دشمن، برای کشاندن افراد جامعه به سوی ناامیدی، پیش از هر چیز مردم را خسته و بیزار می‌کند و با تکرار محرومیت‌ها، خرابی‌ها و شکست‌ها با استفاده از عوامل تبلیغی، اقتصادی، سیاسی و روانی، در آنها سرخوردگی به وجود می‌آورد.
ط. ایجاد رعب و وحشت، تخریب فکری و روانی مردم و نیروهای دولتی، زمانی رشد می‌یابد که افراد دچار ترس ناگهانی شوند و در موقعیت بحرانی و اضطراب قرار گیرند و احساس کنند که خطری تهدیدشان می‌نماید.

تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی

آیا می‌توان مرز دقیقی بین تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی در نظر گرفت؟ معیار تشخیص هر یک چیست؟
تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی - هر یک - دارای سه شکل و مرحله‌ی مهم می‌باشد که بدین وسیله می‌توان آنها را از یکدیگر بازشناخت.

مراحل مختلف تبادل فرهنگی عبارت‌اند از:

۱. گزینش فرهنگی؛
۲. تحلیل فرهنگی؛
۳. تولید فرهنگی.

مراحل مختلف تهاجم فرهنگی عبارت‌اند از:

۱. تحمیل فرهنگی؛
۲. تخریب فرهنگی؛
۳. تسلیم فرهنگی.^۹

هریک از این مراحل را به اختصار شرح می‌دهیم:

۹. اصغر افتخاری و علی اکبر کمالی، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی.

گزینش فرهنگی: یعنی داشته‌های دیگران را به طور مطلق رد نکنیم یا نپذیریم، زیرا هر فرهنگی، اجزای بسیار متعددی دارد که ممکن است بعضی از آنها نامطلوب و برخی مطلوب باشد. ما اجزایی را که مطابق با ارزش‌های فرهنگ خودی است، انتخاب می‌کنیم؛ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «... فَبَشِّرْ عِبَادِيَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^{۱۰}.

تحلیل فرهنگی: آنچه از فرهنگ دیگر گزینش کرده‌ایم، متناسب با فرهنگ بومی جذب کنیم و به شکل عنصری از فرهنگ خودی درآوریم.

تولید فرهنگی: اگر مراحل پیشین به درستی انجام گیرد، جامعه به مرحله‌ای از رشد و توانایی می‌رسد که می‌تواند نیازهای جامعه‌اش را با تولید فرهنگ برطرف سازد و فقط مصرف‌کننده‌ی فرهنگ دیگران نباشد.

تحمیل فرهنگی: در تحمیل فرهنگی، فرهنگ مهاجم عناصر مفسد را به فرهنگ مورد نظر تحمیل می‌نماید.

تخریب فرهنگی: در تخریب فرهنگی، فرهنگ مهاجم توان و قوه‌ی تجزیه و تحلیل را از فرهنگ مقابل می‌گیرد.

تسلیم فرهنگی: در تسلیم فرهنگی، به تحدید مرزهای فرهنگی می‌پردازد و آن را محدود می‌سازد.

در مجموع می‌توان گفت که تهاجم فرهنگی، نوعی ارتباط فرهنگی است که در آن دست کم، یکی از اهداف تحمیل، تخریب و تسلیم فرهنگی پی گرفته می‌شود.

تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی

باید اشاره کنیم که تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی فرق دارد، زیرا تهاجم فرهنگی مخرب است و تبادل فرهنگی، سازنده؛ از این رو، بشر در گذر زندگی، خود را به مبادله‌های فرهنگی، همانند مبادلات اقتصادی نیازمند دانسته و با تبادل آرا و بهره‌گیری از تجربیات دیگران، مسیر زندگی را هموارتر، اطلاعات عمومی را بیشتر و شخصیت خویش را کامل‌تر کرده است. به اختصار می‌توان تفاوت تهاجم و تبادل فرهنگی را در موارد ذیل دانست:

۱۰. زمر: ۱۷-۱۸.

۱. هدف تهاجم، تخریب است، ولی هدف تبادل، انتقال و نشر فرهنگ.

۲. در تهاجم، مهاجم برای جایگزینی فرهنگ خود، ظالمانه می‌کوشد فرهنگ مقابل را ریشه‌کن سازد، ولی در تبادل فرهنگی چنین نیست.

۳. هدف تهاجم فرهنگی، استیلا و به طور کلی غرض سیاسی در نظر است و مهاجم، بقای فرهنگ مقابل را به هیچ وجه نمی‌پذیرد.^{۱۱}

رهبر انقلاب نیز تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی را این گونه بیان فرمودند: «اولاً در تهاجم فرهنگی، بنیان‌های فرهنگی جامعه از بین می‌روند، ولی در تبادل فرهنگی، فرهنگ خودی، تقویت و غنی می‌شود. تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه - سیاسی یا اقتصادی - برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن کشور و آن ملت می‌کند، اما به زور، ولی به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی. این اسمش تهاجم است. در تبادل فرهنگی، هدف، بارور کردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است.

ثانیاً در تهاجم فرهنگی، بخش‌های نامطلوب فرهنگ کشور مهاجم انتقال می‌یابد، ولی در تبادل فرهنگی، هدف عبارت است از مبادله و انتقال برجستگی‌ها و ایده‌آل‌های فرهنگی.

ثالثاً در تهاجم فرهنگی، قدرت و زورگویی و حيله‌گری کشور مهاجم، تعیین‌کننده است، ولی تبادل فرهنگی به اختیار و اراده‌ی ماست و ما آزادانه انتخاب می‌کنیم».^{۱۲}

اهداف تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی می‌تواند دو هدف متضاد داشته باشد، یعنی تهاجم فرهنگی به دلیل این است که ملت مورد هجوم، فرهنگ متعالی ندارند و از نظر فرهنگی، علمی و اجتماعی در انحطاط به سر می‌برند؛ در چنین شرایطی، اگر فرهنگی برضد چنین فرهنگی قیام کند، خوب است؛ برای نمونه، اگر فرهنگی حمله کرد فرهنگ مصرف‌گرایانه ملتی را، که ارزش‌چندانی برای تولید قائل نیستند، تغییر داد و فرهنگ آنها را به فرهنگ تولیدی تبدیل کرد، نه تنها بد نیست، که واجب نیز می‌باشد. افزون بر این، تهاجم فرهنگی ممکن است هدف دیگری داشته باشد و باورهای درست را از مردم

۱۱. حمید جاودانی شاهدین، پیشین.

۱۲. بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش، ۱۳۷۱/۵/۲۱.

بگیرند و باورهای دروغین و ارزش‌های غلط را به آنان تلقین نمایند؛ چنین تهاجمی بد می‌باشد و باید در برابرش ایستاد. امروزه، یکی از اهداف تهاجم‌های فرهنگی، تأمین منافع اقتصادی مهاجمان می‌باشد، بویژه در ملت‌هایی که مادی‌گرا هستند و چیزی به جز مادیات را قبول ندارند. این دسته، فرهنگ را ابزاری برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی خود می‌دانند، زیرا برایشان فقط ارضای شهوات، مال‌اندوزی و ثروت، مطرح می‌باشد و چیز دیگری مطرح نیست و دریافته‌اند که با فرهنگ، به دلخواه خود می‌رسند و آنها از تهاجم فرهنگی استفاده می‌کنند. برای چنین افرادی مطرح نیست که آیا کشور مورد هجوم، فرهنگ درستی دارد یا نه و به هیچ روی به اصلاح آن فرهنگ نمی‌اندیشند بلکه فرهنگ را وسیله می‌دانند تا جایی که احساس کردند این ابزار قدیمی شده‌است، آن را رها می‌کنند و دست به دامان ابزارهای دیگر می‌شوند.

رئیس‌جمهور امریکا در دهه‌ی ۱۹۶۰م می‌گوید: «جنگ فردای ما با ملت‌ها، فرهنگی خواهد بود». همچنین وزیر اطلاعات امریکا می‌افزاید: «به جای این‌که هزاران تن بمب روی ادوات نظامی دشمن بریزیم و آنان را نابود سازیم، چه بهتر است کاری کنیم که دست نظامیان دشمن بر ماشه‌ی اسلحه‌شان بلغزد و از شلیک کردن بپرهیزند. دست‌یابی به این هدف امکان‌پذیر نیست، مگر با تغییر فرهنگ و اعتقاد آنها».

در سال ۱۹۶۵م، صهیونیست‌ها نیز سمیناری به منظور دست‌یابی به راهبردهایی برای مقابله و مبارزه با شیعه‌گری و اصول‌گرایی مسلمانان ایران و جهان بر پا کردند و از تمام کشورهای غربی، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و سیاستمداران آن کشورها دعوت نمودند تا راه‌حل‌های خود را ارائه دهند. در پایان جلسه دریافتند که بهترین راه، نابود ساختن فرهنگ شیعه در دنیا، سرمایه‌گذاری روی جوانان مسلمان با ترویج عقایدی مانند لیبرالیسم، سکولاریسم و مانند آن و سپس ترویج فساد و فحشا و مصرف مواد مخدر در بین جوانان مسلمان و در یک کلمه، تخریب مسلمانان جوان است که البته قدری هم موفق شده‌اند.

اگر بخواهیم نگاهی گذرا بر این اهداف بیندازیم، لازم است به بیان چند مورد بپردازیم:

۱. مبارزه با بیداری اسلامی، با فشار بر طرفداران اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی، به وسیله‌ی اتهام‌زنی، تروریست خواندن و

۲. ایجاد اختلاف و شکاف در جهان اسلام، با دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی و ایران را تهدید کشورهای منطقه معرفی کردن.

۳. از بین بردن امید مردم به آینده، با سیاه‌نمایی مسائل داخلی کشور.
۴. ایجاد بی‌اعتمادی در مردم نسبت به رهبران انقلاب و مسئولان، با هدف از بین بردن پشتوانه‌های مردمی نظام اسلامی.
۵. ایجاد اختلاف و تعمیق آن در جریان‌های سیاسی.
۶. ترویج اندیشه‌های مادی، با هدف سوق دادن مردم به دنیاگرایی و اصالت دادن به لذت‌جویی.
۷. ترویج اباحه‌گری و بی‌بند و باری اخلاقی، برای مقابله با فرهنگ مقاومت و شهادت‌طلبی.
۸. مبارزه با نفوذ معنوی و قدرت نرم جمهوری اسلامی در خاورمیانه و ملل محروم جهان.^{۱۳}

راه‌های نابودسازی عوامل نیرومندی مسلمانان در تهاجم فرهنگی

- ترویج شراب‌خواری، قمار، فساد و شهوت‌رانی، تشویق به مصرف گوشت خوک، ترغیب به زیر پا نهادن دستوره‌های اسلامی و سرپیچی از اوامر و نواهی آن.
- نفوذ در خانواده‌ها و تیره ساختن روابط پدران و فرزندان تا جایی که دیگر زیر بار نصیحت و سرپرستی بزرگ‌ترهای خود نروند و تحت تأثیر فرهنگ استعماری قرار گیرند. در این صورت، جوانان از حوزه‌ی نفوذ عقاید دینی خارج خواهند شد و ارتباطشان را با علما قطع خواهند کرد.
- مشتاق کردن بانوان به کنار گذاشتن چادر.
- سست کردن تقید به نماز جماعت، با اشاعه‌ی اتهاماتی به ائمه جمعه و جماعات و کاهش استقبال مردم.
- بازداشتن مسلمانان از عبادت و به شک انداختن آنان در وجوب اعتقادشان.
- رواج آزاداندیشی و ایجاد شبهه در اندیشه‌ی مسلمانان.
- بی‌توجهی به امر به معروف و نهی از منکر و خارج ساختن این مهم از فرامین اسلام.^{۱۴}
- و ...

بسترهای تهاجم فرهنگی

بدیهی است که کار و تهاجم فرهنگی، بدون بسترسازی مناسب برای رسیدن به اهداف ممکن نیست؛ اگر همه‌ی لوازم تهاجم فرهنگی فراهم شود، ولی شرایط و بستر مناسب

۱۳. یدالله جوانی، *ناتوی فرهنگی و راه‌های مقابله با آن*.

۱۴. امر به معروف و نهی از منکر (سپاه پاسداران) تهاجم فرهنگی (ستار هدایت‌خواه) ایراد فرمودند.

وجود نداشته باشد، در واقع تلاش‌های پیشین ناکام می‌ماند؛ از این رو، به برخی از مواردی که موجب پذیرش و تقویت فرهنگ مهاجم می‌شود، اشاره می‌گردد که می‌توان آن را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. بسترها و عوامل بیرونی

زمینه‌ها و ابزاری که رد پای کشورهای خارجی و غربی در آنها دیده می‌شود، بسترهای بیرونی هستند از جمله:

الف. تولید برنامه‌های مبتذل و ترویج آن؛

ب. تلاش برای دین‌زدایی از راه‌های مختلف؛

ج. ایجاد روحیه‌ی خودباختگی فرهنگی.

د. ساخت و فروش وسائل ارتباطی، مانند ماهواره، سخت‌افزارها، نرم‌افزارها و موارد مشابه دیگر.

۲. بسترها و عوامل درونی

زمینه‌ها و عناصری که ریشه‌ی داخلی دارند و مستقیم و غیر مستقیم به پذیرش فرهنگ مهاجم، کمک می‌کنند عوامل درونی هستند، از جمله:

الف. مشکلات و کاستی‌های اقتصادی و اجتماعی؛

ب. ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در خانواده، مدرسه و جامعه؛

ج. ضعف برنامه‌ریزی دقیق فرهنگی؛

د. نبود تولیدات فرهنگی کافی و مناسب؛

ه. روشن‌فکران غرب‌زده: رشد گروه جدیدی از نخبگان که افکارشان ریشه در مکاتب فکری

و فرهنگی غرب دارد؛

و. عدم آگاهی مردم، جوانان و نوجوانان.

تهاجم فرهنگی و جوانان

جوانان هر کشور، آینده‌سازان آن هستند و سرنوشت هر جامعه به این قشر بستگی دارد. جوانان سرمایه‌هایی هستند که در رابطه با اجتماع و فرهنگ جامعه شکل می‌گیرند. اگر فرهنگ جامعه اصیل و اسلامی باشد، جوانانی باایمان و بااخلاص پرورش خواهند یافت که برای ملت خویش افتخارآفرین خواهند بود. استکبار اهمیت این موضوع را درک کرده‌است و در پی راهی برای

تضعیف ملت اسلامی و شهیدپرور ماست. آنها از راه‌های گوناگون برای رسیدن به این هدف استفاده کرده، ولی با شکست روبه‌رو شده‌اند و بالاخره فهمیدند با تأثیر گذاشتن بر جوانان جامعه‌ی اسلامی، می‌توانند در راه پیشبرد اهداف شومشان گام بردارند و روح حساس، لطیف و شاداب جوانان را به نابودی بکشانند.

ویژگی‌های جوانی

بسیاری از ویژگی‌های شخصیت انسانی و شالوده‌ی حیات مفید ایشان در جوانی تکوین خواهد یافت و سرنوشت خوب یا بد را برای وی در جوانی رقم خواهد زد. از آنجایی که جوانان دارای فطرت پاک و بی‌آلایش، استعداد و نشاط، خودجوشی و خودباوری، خلاقیت و ابتکار، قدرتمندی و خستگی‌ناپذیری هستند، با برنامه‌ریزی مدبرانه و استفاده‌ی درست و به موقع می‌توان جامعه را به سعادت رساند. به همین دلیل، مربیان و آموزگاران جامعه، رهبران و اندیشمندان دلسوز و نیز پیامبران و حکیمان الهی، همگی می‌کوشند و دستورها، رهنمودها و الگوهای تربیتی خویش را ارائه می‌نمایند و رساندن جامعه به سعادت و پیروزی جوانان، مهم‌ترین هدف آنها بوده‌است.

با مرور به تاریخ گذشته، درمی‌یابیم که جوانان پرشور و با انگیزه، با صداقت ذاتی، مهم‌ترین حامیان و صادق‌ترین رهروان مصلحان بزرگ و مربیان و انقلابیون جهان بوده‌اند. رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «جوانان گرد من جمع شدند و مرا حمایت کردند و پیران با من مخالفت داشتند». حضرت علی ؑ در نامه‌ی تربیتی خود به فرزندشان، امام حسن ؑ، با تعبیر شیوایی می‌فرماید: «جز این نیست که قلب نوجوان همچون زمین خالی است که پذیرایی هر بذری خواهد بود».^{۱۵}

ویژگی‌های دوران جوانی

۱. سرگردانی

یکی از ویژگی‌های عاطفی دوران جوانی این است که فرد دچار تعارض می‌شود، زیرا بین ارزش‌های حاکم در مدرسه، خانواده و اجتماع هماهنگی نمی‌یابد و می‌بیند که هر یک از آنان، ارزش‌های متفاوتی را ارائه می‌دهند؛ بنابراین، در پذیرش ارزش‌ها، دچار سرگردانی می‌شود.

۱۵. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۳۱.

۲. اطمینان نداشتن به بزرگ‌ترها

جوانان در مطرح نمودن مشکلات عاطفی و رفتاری خویش با بزرگ‌ترها، احساس بی‌اعتمادی می‌کنند، زیرا می‌ترسند آنچه را با آنان در میان می‌گذارند، با دیگران مطرح کنند و رازشان را برملا سازند.

۳. احساس نگرانی در برخورد با واقعیات

جوان در برخورد با مسائل می‌کوشد از رویارویی با واقعیات بگریزد، زیرا دلیل و منطق او ضعیف است و عقل و برهان، تحت تأثیر خصوصیات دیگر، مانند غرور، احساسات و عواطف، می‌باشد. البته این ویژگی در پسران بیشتر به چشم می‌خورد.

۴. علاقه به دوستی با همسالان

بشر در تمام مراحل زندگی خویش، همواره، نیازمند دوستی با دیگران است؛ نوجوانان و جوانان نیز در این سنین، به گروه همسالان بیشتر علاقه پیدا می‌کنند و با آنان روابطی دوستانه و صمیمانه برقرار می‌سازند و دوست دارند بیشتر اوقاتشان را با آنان بگذرانند. گاه، علاقه و دوستی تا عشق ورزیدن پیش می‌رود. آنان به همسالان خود پناه می‌برند، زیرا مشکلاتی مشابه دارند و با یکدیگر انس می‌گیرند و بلکه رفتارشان نیز در یکدیگر تأثیر می‌گذارد. بنابراین، انتخاب دوست در این دوران، اهمیت زیادی دارد، چه این که سعادت و خوشبختی نیز در معاشرت و دوستی با مردم بزرگوار است؛ پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «سعادت‌مندترین مردم کسی است که با مردم بزرگوار معاشرت و دوستی نماید». به همین دلیل، لازم است والدین فرزندان خود را در انتخاب دوست و حدود دوستی یاری نمایند. به والدین توصیه می‌شود که در این سنین، نباید احساسات فرد را به دوستانش لکه‌دار کرد، در حالی که بهره‌گیری از دوستان وی در حل مشکلات، کمک بسیار خوبی نیز می‌تواند باشد؛ امام علی ؑ از چنین روشی برای نجات کودکی که می‌خواست خودش را از پشت بام پرت کند، استفاده کردند و فرمودند: «بروید یکی از همسالان و همبازی‌های او را بیاورید تا به‌سوی او باز آید و از پرت شدن نجات یابد».

۵. تفکراتی مبنی بر تشکیل زندگی مشترک

پیدا کردن شریک زندگی، ارتباط با زندگی او و انتظارات وی و سخن گفتن درباره‌ی زمان داشتن فرزند، از جنبه‌های بسیار مهم این مرحله می‌باشد. در این زمان، فرد برای تشکیل

خانواده و تطابق با اعضای خانواده همسر آماده می‌شود.

در دوران جوانی، تفکرات درباره‌ی شیوه‌ی زندگی شخصی عمیق می‌شود و این مرحله با ازدواج یا ایجاد رابطه‌ی حمایتی کامل می‌گردد. امروزه، به‌طور معمول زن و مرد - هر دو - روش‌های کسب درآمد‌های اقتصادی را در این مرحله به دست می‌آورند. زنان بیشتر ترجیح می‌دهند که وقت خویش را صرف فرزندان، همسر یا وابستگان نمایند.

آنچه در تهاجم فرهنگی باید بیشتر مورد دقت و توجه قرار گیرد، این است که تهاجم فرهنگی، ابزار مناسب و مقتضی را برای پیشبرد اهدافش بین جوانان، پسران و دختران جست و جو می‌کند. ایجاد انگیزه برای دوستی با جنس مخالف، تلاش برای عادی جلوه دادن این دوستی‌ها، رواج بی بند و باری، قطع ارتباط فرهنگی میان نسل جوان و ارزش‌های دینی و معنوی، ایجاد تزلزل در روابط صمیمانه‌ی خانوادگی، دامن زدن به بحران شک و تردید به باورها و اعتقادهای مذهبی - همه و همه - گونه‌هایی از تهاجم فرهنگی غرب برضد ملت به پا خاسته‌ی ایران و نسل جوان ماست.

ابزار و وسائل تهاجم فرهنگی

هر تهاجمی، به اقتضای زمان و امکانات، ابزار و وسائل متناسب با خود را به کار می‌برد. بی‌شک، قوی‌ترین و مؤثرترین ابزار در تهاجم فرهنگی، که هدف ایجاد نگرش و باور در ملتی برای انتخاب شیوه‌ی زندگی است، فرهنگ خواهد بود؛ باید با فرهنگ به جنگ فرهنگ رفت، همان‌گونه که با مکتب و اعتقاد، به جنگ اعتقاد و مکتب می‌روند. فرهنگ، یک باور، بینش، پذیرش و انتخاب است و جز به‌وسیله‌ی باور و بینش دیگری که جایگزین آن شود، نمی‌توان فرهنگی را از زندگی قوم و اجتماعی حذف نمود. با این حال، چون ورود و پذیرش فرهنگ، انتخابی و اختیاری نیست، فرهنگ مهاجم باید با ابزار و کارهای فرهنگی مستمر و حساب‌شده، به تحکیم و تثبیت و تنفیذ خود در ملت مرعوب اقدام نماید و با ایجاد گرایش و پذیرش انتخابی از سوی ملت مرعوب، به مقصود خود برسد. به قول «ابن خلدون» جامعه‌شناس بزرگ اسلامی: «ملت مغلوب، زود و سریع، فرهنگ ملت غالب را می‌پذیرد». برای تثبیت باید از ابزار فرهنگی استفاده شود؛ از این رو، استکبار جهانی با امکاناتی که در اختیار دارد، برای تزیق فرهنگ مبتذل خود به جوامع غیرغربی، به اشکال گوناگون از این روش استفاده می‌نماید و ملت‌ها را با فرهنگ اصیل خود

بیگانه می‌نماید و زمینه‌ی پذیرش فرهنگ غرب را فراهم می‌سازد، به گونه‌ای که مردم مورد هجوم، معتاد فرهنگ متهاجم و گاهی کاسه داغ‌تر از آش شوند.

راه‌هایی که در تهاجم فرهنگی مورد استفاده غرب قرار می‌گیرند، زیادند، ولی می‌توان راه‌های زیر را مورد دقت قرار داد:

۱. با صدور فیلم‌های سینمایی، تلویزیونی و ویدیویی که با نام‌های فریبنده، براساس فرهنگ بی‌بند و بار غربی و برداشتن مرز محرم و نامحرم و بی‌توجهی به نکات اخلاقی و پافشاری بر تحریک جنسی ساخته می‌شوند، تا کم‌کم حریم محرم و نامحرم کم‌رنگ شود و دختران و پسران جوان به بلوغ زودرس و تحریک جنسی دچار گردند و پرده‌های حیا و شرم پاره گردند و خود به‌خود زمینه‌ی فساد فراهم شود.

۲. ابداع و رواج و صدور مدهای لباس و پوشاک، به ویژه لباس‌های زنانه، که به تدریج عفاف و شرم را از دختران و زنان سلب می‌نماید و عرضه‌ی نوآوری‌ها و ایجاد جاذبه‌های تبلیغاتی رادیویی، تلویزیونی و مطبوعاتی، با استفاده از متخصصان طراح آگهی‌های تبلیغاتی. هم‌اکنون، آثار زنده شدن این شیوه‌ی شوم در جامعه‌ی انقلابی ایران به چشم می‌خورد و با گردشی دقیق، واقع‌بینانه و محققانه در شمال تهران و شهرهای بزرگ، می‌بینیم فرهنگ نیمه‌عریانی و مبتذل لباس، به‌ویژه زنانه و دخترانه، تجدید حیات نموده و جوانه زده است و بسیاری از خانواده‌ها هم مقدمش را گرمی داشته‌اند و فروشگاه‌های سودجوی پوشاک هم با ایجاد جاذبه‌های فریبنده، آنها را عرضه می‌کنند تا دیده ببینند و دل یاد کند.

۳. ورود بسیاری از مجلات، روزنامه‌ها و کتب خارجی می‌تواند عامل رواج فرهنگ مبتذل غربی در جوامع غیرغربی باشد و فرهنگ مادی، فاسد و بی‌بهره از فضیلت و معنویت غرب را از لابه‌لای صفحات و سطورشان به ملت مورد هجوم بخوراند.

۴. گروهی از استادان فرنگ‌رفته، که تحصیلات عالی و طولانی مدت در غرب داشته‌اند، مانند خاشاکی، در برابر فرهنگ غرب تسلیم شده و اصالت خود را از یاد برده‌اند و با در اختیار داشتن سنگر کلاس‌ها و برتری علمی، مؤثرترین عامل نفوذ فرهنگ مهاجم به‌شمار می‌روند. استکبار جهانی با پرورش گروهی از دانشجویان خارجی مقیم غرب، قدرت تهاجم فرهنگی خود را افزایش می‌دهد.

۵. تهیه و صدور عکس‌های مبتذل که برای نسل جوان جاذبه دارد، حتی چاپ عکس‌های بی‌شرمانه بر بدنه‌ی لیوان‌ها، پارچه‌ها، ظروف کریستال، کاغذهای شکلات، آدامس و...، برای فراهم کردن زمینه‌ی تحریک جنسی و دریدن پرده‌ی شرم و حیا و نیز سوق دادن خانواده‌ها، به‌خصوص نسل جوان، به سوی فساد و بی‌بندوباری.

۶. سیستم باز در مبادلات مسافر، که امروزه به صورت اصل پذیرفته شده‌ی بین‌المللی در آمده‌است، عامل مهمی در خدمت تهاجم فرهنگی غرب به شمار می‌رود و متأسفانه آسیب این پدیده دو طرفه می‌باشد.

زندگی پر زرق و برق و جاذبه‌های مادی و به دور از تقیدات اخلاقی و امکانات زندگی و نظم و انضباط ظاهری در امور جاری غرب، برای هر بیننده‌ای فریبنده و جذب‌کننده خواهد بود و بیشتر مسافران دیار غرب، حتی دین‌داران بافرهنگ شیفته‌ی یک یا چند جنبه‌ی زندگی غربی می‌شوند و با زمینه‌ی پذیرش فرهنگ غرب یا دست‌کم دشمنی نکردن با آن، به کشور و خانه و کاشانه‌ی خویش بازمی‌گردند. بدین ترتیب، رفتار و اخلاق بسیاری از آنها رنگ غربی به خود می‌گیرد یا آن را ترویج می‌کنند یا دست‌کم افسوس می‌خورند که چرا نظام اجتماعی، اداری و معاملاتی ما مسلمان‌ها چنین انضباطی ندارد؟!

از سوی دیگر، مسافران اروپایی و غربی، که به ایران می‌آیند، با خود سوغات فرهنگ و رنگ می‌آورند. همچنین جهانگردانی از کشورهای غربی وارد کشور می‌شوند و با وجود محدودیت‌هایی که در حجاب وجود دارد، باز فرهنگ غرب را تبلیغ می‌کنند.

راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

در اصول اولیه‌ی اسلام، هیچ‌گاه برخورد فیزیکی و جبری توصیه نشده‌است و در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، باید آرام آرام پیش رفت و در صورت بی‌تأثیر بودن، در نهایت به برخورد فیزیکی رو آورد، همچنان که حضرت امیرالمؤمنان ⁷ جوانان مدینه و کوفه را نصیحت و پند و اندرز فرهنگی می‌دادند که سر معابر و کوچه‌ها نایستند و مزاحم ناموس مردم نشوند.

امام ⁷ پس از برخوردهای فرهنگی و اصلاح‌جویانه، گاهی، برخورد فیزیکی می‌کردند. پس بهترین راه برخورد با فرهنگ مهاجم غربی، فرهنگ خودی است. فرهنگ اسلامی، غنی‌ترین فرهنگ در عالم هستی می‌باشد.

و اما شیوه‌هایی که در بی‌اثر کردن تهاجم فرهنگی دشمنان می‌توان بکار گرفت:

۱. تقویت بینش دینی و سیاسی مردم

تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینش درست در مذهب و سیاست، می‌تواند همچون سنگری نفوذناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن، حفظ نماید و سودجویان غرب را ناکام گذارد. بی‌تردید، چنین ایمانی، جامعه را به جهت‌گیری درست و رفتاری شایسته رهنمون می‌سازد و از ناهنجاری‌ها بازمی‌دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ^{۱۶}؛ پروردگارشان به سبب ایمانشان آنان را هدایت کرد».

بر اساس این، دستگاه‌های مذهبی مانند حوزه‌های علوم دینی، رسالتی بزرگ برعهده دارند و باید بیش از پیش به اصول دین و تقویت باورهای مردم، توجه نمایند.

البته در کنار آن، آنها را از مسائل روز و هدف شوم دشمن در تهاجم فرهنگی آگاه کنند. امام خمینی ^{۱۷} می‌فرماید: «آنان [استعمارگران] چنانچه تجربه نشان داد، جز تباهی و غفلت‌ان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان، به چیز دیگری فکر نمی‌کنند و می‌خواهند با این وسائل و امثال آن، شما را عقب‌مانده و به اصطلاح، نیمه‌وحشی نگه‌دارند»^{۱۷}.

۲. مبارزه با مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی

امروزه، اثر مستقیم تجمل‌گرایی، بر واردات کالاهای مصرفی لوکس و پیروی از مدهای گوناگون، که حجم انبوهی از فرهنگ غرب را به همراه دارد، بر کسی پوشیده نیست و زیان آن افزون بر تغییر پوشش، خوراک و رفتارهای اجتماعی، افزایش بزه‌کاری‌ها و زیر پا نهادن اصول اخلاقی را نیز شامل می‌گردد؛ از این رو در مقابله‌ی فرهنگی، باید به این نکته بسیار توجه و آثار منفی آن برای مردم بیان شود؛ قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكَ...؛ و موسی ⁷ به پروردگار خود عرض کرد: "بارالها، تو به فرعونیان در حیات دنیا ملک و اموال و زیورهای بسیار بخشیده‌ای که بدین وسیله بندگان را از راه تو گمراه کنند"^{۱۸}.

۱۶. یونس: آیه ۹.

۱۷. صحیفه‌ی نور، جلد ۱، ص ۱۸۵.

۱۸. یونس: ۸۸.

ائمه معصومین :، همیشه، تأکید داشتند که زینت و مال دنیا، ارزشی ندارد و اگر ارزش به‌شمار می‌رفت، انبیا و اولیا، که از دیگران مستحق‌تر بودند، از آن بهره‌مند می‌شدند؛ مقام معظم رهبری > می‌فرمایند: «در جامعه‌ی اسلامی باید همه‌ی انسان‌ها از رفاه و آسایش و امنیت و زندگی کافی برای آسایش برخوردار باشند، یعنی آن چیزی که هرگز در تمدن مادی غرب وجود ندارد...»^{۱۹}

ایشان همین‌طور روحانیان را به ساده‌زیستی دعوت می‌کنند: «روحانیون، با تقوا، با ورع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشم‌ها شیرین شدند»^{۲۰}. بنابراین، به نظر می‌رسد در گام نخست برای الگوسازی، لازم است مسئولان - خود - ساده‌زیستی اختیار نمایند.

۳. ایجاد محیط گرم خانوادگی و برخورد دوستانه با جوانان

باید با جوانان و نوجوانان به خوبی رفتار کرد و با ظرافت تربیت شوند. برخورد تند و کوبنده با نوجوان درست نیست و باید او را به آرامی و غیرمستقیم متوجه ساخت و در ذهن آنها پرسش ایجاد کرد تا دنبال پاسخ بگردند و انگیزه‌ی مقابله در آنان به وجود آید. باید محیط خانواده، گرم و صمیمی و به دور از خشونت باشد تا جوان از محیط خانه فراری نگیرد و به انحراف کشیده نشود. در انتخاب دوست، لازم است افراد مناسب را با روش خوب به آنها معرفی کنیم، نه این‌که منتظر باشیم آنها دوست انتخاب نمایند، سپس نظر بدهیم.

۴. تسهیل ازدواج جوانان

باید زمینه‌ی ازدواج جوانان را فراهم ساخت و از مهریه‌های سنگین و بالا رفتن سن ازدواج، که مهم‌ترین عامل فساد اخلاقی است، جلوگیری کرد. باید به خانواده‌ها در این‌باره هشدار داده و سود و زیان فرهنگ تجملاتی و چشم و هم‌چشمی را، که مانع بزرگ ازدواج به‌شمار می‌رود، به خوبی برایشان تفهیم نمود. افزون بر این، دولت و نیکوکاران برنامه‌هایی برای جذب کمک‌های مالی همگانی تنظیم و اجرا کنند تا به جوانانی که می‌خواهند ازدواج نمایند، ولی توان مالی ندارند، کمک شود. در قرآن کریم، به ازدواج افراد بی‌همسر و بردگان امر شده است و آنها را از ازدواج نکردن به سبب ترس از مضیقه‌ی مالی منع کرده است. قرآن درباره‌ی حضرت لوط 7

۱۹. فرهنگ تهاجم فرهنگی، ص ۲۰۰.

۲۰. صحیفه‌ی نور، جلد ۲۱، ص ۱۹۵.

نیز می‌گوید: «اگر می‌خواهید کاری [مشروع] انجام دهید با آنها ازدواج کنید»^{۲۱}. آن حضرت وقتی فساد مردم [همجنس‌بازی] را دید، به آنها گفت: «چرا از راه انحراف وارد می‌شوید؟ اگر منظورتان ارضای جنسی است، ازدواج کنید». فرهنگ غلطی که امروزه در جامعه ما ایجاد شده است، در درازمدت ضربه‌های مهلکی به جامعه وارد خواهد کرد که باید هرچه زودتر اصلاح شود.

۵. اهمیت دادن به فرهنگ و تقویت بخش فرهنگی هنری

باید بودجه‌ی لازم برای تولید و پخش برنامه‌های مفید در قالب داستان، فیلم و... اختصاص یابد. همچنین لازم است برای برنامه‌های فرهنگی، همه‌ی امکانات مادی و فیزیکی، نیروهای انسانی، و وسایل ارتباط جمعی و هنر، در خدمت کارآمدترین افراد از نظر تخصص هنری و فرهنگی درآید. هر مسئول فرهنگی نیز باید از وقایع فرهنگی ایران و جهان آگاهی داشته باشد و مجموعه‌های فرهنگی در این زمینه بکوشند.

۶. برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت جوانان

اوقات فراغت، بخش اساسی زندگی ماست که اگر از آن به خوبی استفاده شود، فرصت به شمار می‌رود، و گرنه تهدید خواهد بود. یکی از مسائل جوان نیز اوقات فراغت است. مطلوب‌ترین حالت این است که او در فعالیت‌های جسمی و ذهنی، فعالانه، شرکت کند تا از انرژی‌اش به درستی استفاده نماید. چنین کارهایی باید آن قدر جذابیت و تنوع داشته باشد که بتواند اوقات فراغت را پر کند. البته تحقق آن مهم و مشکل است و باید توجه داشت که ورزش برای جوان یا نوجوان به هدف تبدیل نشود.

۷. ترسیم سیمای زن مسلمان و تبلیغ فرهنگ حجاب

انجام این کار، از جمله وظایف بسیار مهمی است که دستگاه‌های هنری کشور باید به آن توجه کنند. مبارزه با فساد و بدحجابی و الگوهای غربی باید با ترسیم جلوه‌های متعدد سیمای زن مسلمان و تبلیغ مهم‌ترین جلوه ارزش، یعنی حجاب اسلامی، همراه باشد و در این‌باره، صداوسیما بیش از همه مسئول است. رهبر معظم انقلاب، در دیدار اعضای شورای سیاست‌گذاری صداوسیما، درباره‌ی مسئولیت حساس آنان در ارائه الگوی زن مسلمان گفتند: «چگونگی ارائه‌ی چهره‌ی زن مسلمان در صداوسیما، مسئله‌ی مهمی است. سیمای زن

مسلمان و انقلابی، باید با تکیه بر حجاب، نجابت، نقش اصلی و اساسی او در خانواده و جامعه، تأثیر زن در رشد مرد در جامعه و نیز نقش بااهمیت او در واقعیت‌های گذشته مانند جنگ تحمیلی، در صداوسیما نشان داده شود. مهم‌ترین تأثیر حجاب، استواری اجتماع و سالم‌سازی روابط و آماده شدن زمینه‌های رشد و تعالی در جامعه است. این امر ظرافت‌های بسیار دارد که باید به آن توجه شود».

۸. ترویج شایسته‌ی امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم می‌فرماید: «باید گروهی از شما باشند که دیگران را به امور پسندیده دعوت کنند و به نیکی‌ها امر نمایند و از انجام دادن کارهای زشت جلوگیری شود».^{۲۲} مسئولان فرهنگی باید با نشر کتاب، مجلات، فیلم‌های سازنده، از تمام ابزار برای دعوت به صلاح و حرکت در مسیر الهی استفاده و مردم و جوانان را از انحرافات منع کنند. البته این کار باید با دقت و ظرافت همراه و پیوسته باشد، نه قطعی و زودگذر.

امر به معروف و نهی از منکر، اساس بقای نظام اسلامی و بر همگان واجب است. حضرت علی ۷ می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که بدترین شما حکمرانی شما را به دست گیرد. آن‌گاه دعا می‌کنید و از شما پذیرفته نمی‌شود».^{۲۳}

بی‌تردید اگر همه به این اصل پایبند باشند و هرکس در محدوده‌ی زندگی خویش، زشت‌کاران را از زشتی بازدارد و به کردار نیک فرمان دهد، دشمن، هرگز روزه‌ای برای نفوذ نخواهد یافت.

افزون بر موارد بالا، موارد زیر، فهرست‌وار، برای مقابله با تهاجم فرهنگی پیشنهاد می‌شود:

۱. تحریم جدی ابزار تهاجم فرهنگی،
۲. گسترش کتابخانه‌های ثابت و سیار؛
۳. محدود کردن انگیزه‌های سفر به غرب؛
۴. سامان دادن به نظام آموزش و ایجاد رشته‌های ویژه‌ی بانوان؛
۵. تبیین ولایت فقیه برای جوانان، که اساس حکومت اسلامی است؛

۲۲. آل عمران: ۱۰۴.

۲۳. نهج‌البلاغه، ص ۱۷.

۶. تبیین اندیشه جدایی ناپذیر دین از سیاست؛

۷. ارزیابی محققانه فرهنگ غربی؛

۸. و ...

در ضمن، این کار نمی‌تواند تنها بر دوش یک یا چند نهاد و سازمان خاص باشد، بلکه برای دفع و مقابله با «قتل عام و شبیخون فرهنگی»، بسیج تمام نیروها و امکانات مردمی و نهادهای فرهنگی مانند آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صداوسیما، مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی و نهادهای اقتصادی و... لازم و ضروری است و تنها با همکاری و همفکری همه‌جانبه و مجدانه‌ی این نهادها و سازمان‌ها و آحاد ملت، جوانان را از گرفتار شدن در چنین گندابی که جدایی از فرهنگ خودی و سقوط در دام فرهنگ پوچ و بی‌هدف بیگانه است، نجات دهند و امکان دفع این شبیخون و غارت فرهنگی فراهم خواهد شد.

اگر مسلمانان به خود نیابند، قدرتمندان و استکباران جهانی اهداف خود را به سرعت جامه‌ی عمل می‌پوشانند و آن وقت فاجعه‌ای بس اسفناک برای ملت رخ خواهد داد.

نتیجه‌گیری

با طرح مسائل بالا قصد داشتیم به معرفی اجمالی تهاجم و هدف اصلی آن، یعنی جوانان، پردازیم. بی‌شک، با توجه به انواع خانواده و روش‌های تربیتی و تصمیم‌گیری در آنها، روش‌های مقابله با تهاجم فرهنگی نیز گوناگون است. بی‌تردید، نمی‌توان در همه جای جامعه، پلیس و نیروهای کنترل رسمی را به کارگرفت، ولی می‌توان با آموزش درست به خانواده‌ها، آنها را در برابر تهدیدهای بنیان‌برانداز واکسینه نمود. خانواده‌ها با کنترل فرزندان خود کمک بسیار زیادی به سلامت خود و جامعه می‌کنند.

خانواده‌های گرمی و خوانندگان گران‌مایه‌ی این نوشتار، با رفتار مشفقانه و محبت‌آمیز می‌توانید به اصلاح جامعه کمک نمایید و ضمن کنترل درونی خانواده‌ها، با همکاری دلسوزانه، نقشی اساسی در کنترل بیرونی و در نهایت ایمن‌سازی جامعه داشته باشید. به یاد داشته باشیم همیشه فرزند خوب در یک خانواده‌ی آرام و منطقی پرورش می‌یابد

و جامعه‌ی خوب متشکل از خانواده‌های خوب است. خانواده‌ها پلی برای سوق جامعه به اهداف متعالی و بلند هستند.

والدین گرامی، با اهمیت به حضور بیشتر و مؤثر در خانواده و توجه به روح و الزامات روانی فرزندان، می‌توانید به کارکردهای درست تربیتی خانواده جامه‌ی عمل بپوشانید. فراموش نکنیم که فرزندان و افراد خانواده‌ی ما بیش از نیازهای جسمانی، به آرامش روانی و درک متقابل نیازمندند و ارتباط مناسب و مهربان پدر با همسر و فرزندان، ضامن بقا و سلامتی کانون گرم خانواده است، گو این‌که برای این هدف مهم و غایی، هر صبح را به امید تقرب به خداوند متعال به شب می‌رسانیم.

بیشتر افراد می‌پندارند که از آسیب‌های اجتماعی در امان‌اند و این مسائل تنها گریبان‌گیر دیگران می‌باشد. بسیاری از والدین از دیدن مدهای مو و لباس در فرزندان یا کج‌روی‌هایی مانند اعتیاد به مواد مخدر، انحرافات جنسی و رفتارهای ضداخلاقی جوانان خود عبرت نمی‌گیرند و در بیشتر موارد، موضوعات مذکور را ناچیز جلوه می‌دهند. باید توجه داشت که راه‌حل نهایی برای حل مشکل، پاک کردن صورت مسئله نیست، بلکه ابتدا باید آگاهانه مسائل را شناسایی و برای حل آن اقدام نمود. دقت کنیم همان‌گونه که ویروس‌های بیماری‌زا می‌توانند بدن ما را در خطر نابودی قرار دهند، ویروس‌های ضدفرهنگی نیز می‌توانند جامعه را به شیوه‌ی بسیار کشنده‌تری دچار بحران‌های هویت، نسلی، جنسی، عقیدتی و حتی سیاسی و اقتصادی نمایند؛ بنابراین، همان‌گونه که به مراقبت اعضای خانواده در برابر بیماری‌های جسمی می‌پردازیم، باید آنها را در برابر بیماری‌های بسیار خطرناک فرهنگی نیز ایمن کنیم.

جایگاه تعهد، وجدان‌کاری، همت و کار مضاعف در توسعه و تعالی سازمانی، با تأکید بر نگرش اسلام

اشرف میرحیدری^۱

چکیده

توسعه و پیشرفت هر جامعه، مرهون نیروی انسانی ماهر و کارآزموده‌ای است که رعایت وجدان‌کاری و به دنبال آن، تلاش مضاعف را سرلوحه‌ی فعالیت‌های خود قرار دهد و در جهت رسیدن به نظم اجتماعی و آرامش و آسایش روانی خویش، لحظه‌ای از آن غفلت نورد. «وجدان‌کاری» خمیره و جوهره‌ی سازمان می‌باشد و نقش حیاتی در تکوین همه‌ی روبناهای سازمان از قبیل ساختارها، کارکردها، رفتارها و عملکرد سازمان ایفا می‌نماید.

تحقیقات عوامل ساختاری همچون قوانین و مقررات، زیرساخت‌ها و چارچوب‌هایی که رفتارها در آن تحقق می‌یابند و عوامل رفتاری، مانند محتواها، فرهنگ، ارزش‌ها، ادراک، انگیزش، انتظارات و پیش‌فرض‌های درون‌سازمان را بر وجدان‌کاری و ارج‌گذاری بر تلاش بیشتر افراد تأثیرگذار نشان داده‌اند. ضرورت‌هایی مانند تعهد، پایبندی، سخت‌کوشی و بهره‌وری از نیروهای دانشی سرآمد و ارزش‌افزا، ضرورت سازمان‌های امروزی به شمار می‌رود. حضور پرتلاش و کارا در عرصه‌های مختلف اجتماعی، رشد و توسعه، سلامت و عدالت اجتماعی، محصول حضور کارکنان و مدیرانی ارزشی و با وجدان در سازمان است. سازمان‌های وجدانی به اهمیت نقش منابع انسانی در بهبود کار پی‌برده‌اند و از ارزش قدرت نیروی کار متعهد، با وجدان کارآمد به خوبی آگاه‌اند؛ از این رو، منابع مهم و انرژی‌های فراوانی از مدیریت را صرف ایجاد محیطی می‌نمایند تا کارکنان بتوانند با انگیزه‌ی درونی، در بهبود عملکرد سهیم گردند. بی‌شک، تأکید مقام معظم رهبری > بر این عناصر، نشان‌دهنده‌ی ارزش و اهمیت فراوان آن در موقعیت حساس کشور عزیزمان می‌باشد و تعهد و پایبندی به آن سبب رشد و تعالی سازمانی و اجتماعی خواهد گردید.

واژگان کلیدی: وجدان، وجدان‌کاری، تعهد‌کاری، همت مضاعف و تلاش مضاعف

۱. دانش پژوه دوره دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه اصفهان